

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید ملک

۱۶ جنوری ۲۰۲۱



سید ملک

حقیقت را باید قبول کرد

تأییدیه بر نوشته ای در سایت محترم آقای "میرویس آشفته" که باوضع کشور نگاشته اند.
«داشتیم داشتیم به کار نمی اید. دارم دارم را باید مطرح نمود» یعنی تاریخ پنجهزارساله وشکست چنگیز، انگریز و ...
دیدگاه من
آری! به اتکای سایت بی بی سی فارسی بیست وچهار.. افغانستان سرزمین مردان بزرگ است. من این را تأیید نموده
علاوه می دارم که نباید به این مسأله آنچنان غلو کرد که همه وضع کنونی را فراموش نمود.
درمورد ادعای تاریخ پنج هزار ساله کشور باید گفت: "خاک وسنگش داعیه افسانه هاست". وجب به وجب این خاک
بیانگر شکوهمند ترین تاریخ منطقه است اما نباید این مسأله را چنان دست آویز قرار داد ودوردنیا را خط کشید که حال
رافراموش کرد. مثلاً یکی از مبالغه ها شکست چنگیز، انگریز، روس وناتو است.
باید صراحتاً بگویم که ما چنگیز خان را قطعاً شکست نداده ایم. عساکر چنگیز تنها در مجمع الجزایر جاپان شکست کرد
چون ایشان قوای بحری نداشتند.
دراغانستان قوای بیست هزار نفری چنگیز تحت رهبری قوتا قو پسرخوانده چنگیز، از دست جلال الدین خوارزم در
پروان افغانستان شکست وآنهم صرفاً بخشی از قشون جلال الدین پشتون بوده اند نه همه. آنهم نبوع نظامی جلال الدین
بود که عساکر چنگیز رادربالا قرارداده وهنگام یورش پیاده نظام جلال الدین به دفاع تیر باران پرداخته سپاه مغول را
منهدم وحتی فراری ساختند. اما نتیجه اش این بود که به خاطر یک اسب سفیدی که یکی از خان ها می خواست غرامت

بگیرد و خسرجلال الدین که ازپشاور بود مدعی آن گردیده جلال الدین ازخسرش حمایه و خان با نفوذ را به سیلی زد. وبعداً به خاطر همان یک اسپ سفید چنان جنگیدند که تا پشاور سه صد نفر زنده ماندند و بس وچنگیز خان به مجرد شکست قوتاقو به جلال الدین حمله و جلال الدین باچنان رشادت جنگید که دراثناى فرار از رود سند چنگیز دست بردهان گرفته وگفت: «از پدر اگر فرزندی می ماند باید چنین باشد.» علاوه باید نمود که چنگیز خان از مناطق ما، ایران کنونی وماوراءالنهر صد هزار زن پریچهر اسیر برده که تعدادی از ایشان در صحرای گوبی خود کشتی نموده اند.

درمورد انگلیس باید گفت که انگلیس در افغانستان شکست نکرده بلکه کوبیده شده است یعنی مانند دزدی که به خانه ای بیاید و همه اعضاى خانه بر وی بریزند اما بعداً برگشته چهارچته کابل را به توب پرانده و قرار دادهای خود را تحمیل و خاک های افغانستان را رسماً جدا نمود.

ودر جنگ اخر دراثناى استفاده انگلیس از قوای هوایی، این امان الله خان بود که مجبوراً تقاضای آتش بس کرد و با تأیید شجاعت افغانها باید گفت با آمدن لنین درشوری و اعلام عدم تجاوز، انگلستان ازدغدغه آن بیغم و آزادی افغانستان رابه رسمیت شناخت.

درمورروس همه ما گواه زنده تاریخ هستیم که در زمان کارمل قوای افغان شوروی هرپا نزده روز یکبار موظف به تعقیب آنچه مجاهدین گفته می شود گردیده و شرط عمده این بود که ولو طرف مقابل تحرکی نشان ندهد. باید تعقیب شود یعنی نفس به نفس اردوی افغانستان نماند اما رادیو های جهان ختم جنگ به نفع دولت را اعلان و گفتند جنبش مقاومت افغان فروکش کرد «مراجعه به رادیوی بی بی سی» آنوقت.

باتغییر سیاست خارجی شوروی و خیانت گوربچف به سوسیالزم جهانی، قوی ترین شخصیت های جهانی چپ مانند ایریش هونیکرو ... دودسته به طرف مقابل تسلیم داده شدند ودرین گیرودار تاریخی، دکتور نجیب بیچاره مانند پشه ای که به گوش فیل چسبیده و باشوردادن گوش به زمین افتاد و بعداً هم اکثریت چپ نماها از زیر ریش مجاهد سرکشیدند. طوری که بارها نوشته ام در جامعه عقب مانده، سیاسی و مذهبی اش هم عقب است چنانچه دیده شد که هم کارمل و هم دکتور نجیب تن به تجزیه کشور داده یکی در ملل متحد قران حفظ می کرد و دیگری تابوتش را به کلمه اسلامی پیچانده بودند.

درحالی که شخصیت های چپ جهانی مانند ایرش هونیکر و فیدل کاسترو مردانه وار ایستادند.

مردانه باش هرچه که هستی عزیز من یعنی اگر که بت بپرستی عزیز من

بناءً بهتر است از لاف ویف دست برداشته، افتخارات گاشته را به گذشته سپرد. و راه رهائی ازین عقب ماندگی همه بعدی همه جانبه قرون وسطائی را پیش روی جامعه نهاد.

حاشیتاً باید گفت که تاریخ بشریت بعد از رنسانس چرخید و با ظهور کشور های پیشرفته استعماری و تسلط آنها بر هند برای بار اول کشور متحد گردید چه قبل از استعمار انگلیس پنجاه سلطان، مهاراجه و نواب در آن حکومت داشته و لهذا صاحب بزرگترین شبکه قطارریل و دموکراسی در جهان گردیده و تبارز کنونی هند من حیث یک قدرت محصول موجودیت هزاران فابریکه استعماری است که تغییر و ترمیم شده است

در آن طرف ماورای آمو، قبایل متشتت، نامتمدن و نیمه وحشی ترک و تتر ازبیک و ترکمن و... از خواب قرون وسطی و تسلط خانان به شمول خان بخارا رهائی ویه جمهوریت های مستقل آباد و پیشرفته همکام با تمدن قرن سربالا نموده و صدور تولیدات این کشور ها مشهود است. درحالی که در جهان اسلام ماوشما صادراتی به نام ساخت ایران و عربستان دیده نشده و کشور تیره روز ماقبل قرون وسطی مانند افغانستان از تاریخ تمدن بیش از سه صد سال وار همسایه ها پنجاه و شصت سال عقب است

وضع جامعه به وضع مریضی می ماند که درکشورهای پیشرفته واضحاً مریضی، علت و نتیجه گیری رابه مریض می گویند. به صورت مثال بعد از سه سال تداوی سرطان به یک افغان گفته شد که نتایج ماحاصل نداد و همه ما می میریم اما درافغانستان داکتر وعده های دروع صحت یابی را به خاطر اخاذی بعدی می دهد. بناءً باید بیماری این جامعه بیمار را توضیح وراه علاج را پیشرو گذاشت و الا به خود وکشورخود خیانت نموده آن را به لحاف لاف وپوچ مصروف وباتفسیر اشعارمولانا وبیانات سیاسی بی محتوی سیاسی /نه نبصره های مفید بعضی ارمفسرین/جامعه را مصروف نکهداشت. که درین صورت باید گفت

برادران توتاج ارستاره بگرفتند.... دگر درنگ نباید تا سپیده بران

من از همه دوستداران بیرون مرزی که نوشته ام را می خوانند. سؤالی دارم که در مدت سی و پنج سال که دردامن کشورهای مرفه لمیده ایم چرا در رشته های خود جوایز جهانی نداریم. اگر می خواهید به وطن خود خدمت نمائید باید اول به خود خدمت نموده حداقل ازدامن گدا خانه های غرب یعنی سوسیال رهائی یابید مثلاً همین کشور همسایه ما ایران که تاریخ مارا به نام خود جای زده است تنها درکانادا چهارصد و هشتاد هزار دکتورومتخصص دارد که دولت کانادا رسماً ارایشان تشکرودرهمین ویانای کوچک مرکز اتریش هزار دکتور طب دارند درحالی که درهمین شهر کوچکی که من اقامت دارم حضرات افغانهای چنگیز شکن وروس شکن وناتو شکن هفده یا بیست و هفت دوسیهی جنایی دارند بناءً باید گفت:

خانه از پای بست ویران است خواجه در فکر نقش ایوان است